

سندیکای صنعت برق ایران
Iran Electrical Industry Syndicate

دوره آموزشی
قانون مالیات های مستقیم و مالیات بر ارزش افزوده

مدرس دوره:
سیدهادی عاشقی
دانش آموخته دکتری
حسابداری (گرایش مالیاتی)، مدرس
دانشگاه رفسن کرود، اسکناسی به شکایات
سازمان امور مالیاتی کشور

سرفصل دوره:
مبانی مالیاتی، مفاهیم کلیه مالیاتی مشمولان بر ماده ۱۴۱ و ۱۴۲ قانون مالیات های مستقیم،
مفاهیم مالیات بر ارزش افزوده، مفاهیم کلیه مالیات های مستقیم، مفاهیم کلیه مالیات های
مستقیم بر درآمد حقوق، تعاریف مالیات بر ارزش افزوده، مشمولان اجرای قانون ارزش افزوده، اجرای
قانون فرساخت (از بودجه مالیات بر ارزش افزوده و مقررات بودجه سال ۹۸) بات
رزی دوره

محلتهای تخصصی در تهران
شماره تلفن: ۰۲۱-۶۶۵۷۱۳۳۱ واحد آموزش و پژوهش

محلتهای تخصصی در تهران
شماره تلفن: ۰۲۱-۶۶۵۷۱۳۳۱ واحد آموزش و پژوهش

فهرست

- ۳ ترکیب تامین مالی تولید برق ۳
- کابل ابهر نخستین شرکت دانش بنیان صنعت کابل در ایران ۳
- آینده نیروگاه های مقیاس کوچک در ایران ۴
- بررسی عوامل موفقیت در عملیات ساخت ایستگاه های برق فشارقوی ۵
- برنامه ریزی برای تعویض ۱۰ هزار دستگاه کنتور برق معیوب توسط برق تبریز ۶
- «بزن به برق» به تولید نزدیک می شود ۶
- استقبال از نهادهای مسئول ۶
- بخش خصوصی از طریق نهادهای مالی خارجی مشکل تامین مالی داخلی را حل کند ۷
- بازار جهانی نفت چه سرنوشتی خواهد داشت؟ ۸
- بهره بردن از تنوع فرهنگی در کار ۹

فرمانده بی بدیل

رضا خسروی / دنیای اقتصاد
نخست: «جنگ های زیادی در تاریخ روی داده و ژنرال های زیادی در آنها حضور داشتند؛ اما تعداد معدودی از ژنرال های تاریخ، نامشان پس از جنگ، برای همیشه ماندگار می شود.» این جمله یکی از ژنرال های آمریکایی است. ژنرال جورج اسمیت پاتن، ژنرالی که قهرمان آمریکایی ها در جنگ جهانی دوم است؛ می دانید چرا؟ کافی است راهبرد آمریکا در آن جنگ را مرور کنید تا دریابید چرا او برای آمریکایی ها قهرمان است؟

آمریکا همزمان با جنگ جهانی دوم به این استراتژی رسید که به هیچ عنوان اجازه درگیری در سرزمینش را به کسی ندهد. بنا بر این استراتژی آمریکا در جنگ دوم جهانی تنها زمانی وارد شد که ژاپنی ها به پایگاه دریایی پرل هاربر آمریکا در محدوده سرزمینی این کشور در اقیانوس آرام حمله کردند. پس از این حمله آمریکا به سرعت وارد جنگ در هزاران کیلومتر دورتر از خاک خود در اروپا و آسیا شد تا اجازه

علیرضا کلاهی؛ نایب رئیس کمیسیون صنایع و معادن اتاق بازرگانی تهران و رئیس کمیته سیم و کابل سندیکای صنعت برق ایران

ابهامات در مطالبات پیمانکاران

افزایش پایه مالیاتی در کنار کاهش درآمدهای نفتی مهم ترین و کلیدی ترین ویژگی لایحه بودجه سال آتی است که به رسم هر سال در میانه های آذر به مجلس تقدیم شد. براساس گفته و تاکید چندین باره مسوولان دولتی، بودجه ۹۹ بلندترین گام دولت برای تغییر ساختار بودجه بود، اما واکاوی اعداد و ارقام مهم ترین سند مالی کشور نشان می دهد که نمی توان به تغییرات جدی در ساختار بودجه ریزی کشور امیدوار بود. اگرچه تلاش شده بودجه ۹۹ با اتکا بر زوایا و پیامدهای گسترده تحریم ها در مرادوات مالی بین المللی به ویژه حوزه فروش نفت تدوین شود، اما همچنان بخش قابل توجهی از منابع بودجه عمومی دولت به فروش روزانه یک میلیون



به‌عنوان یک سرمایه اجتماعی گرانقدر در اختیار دارند. افکار عمومی بدون انجام شفاف‌سازی‌های لازم درخصوص ساختاری که قرار است بر دوش درآمدهای آنها سوار شود، اراده چندانی برای همراهی با اجرای این برنامه نخواهند داشت. به همین دلیل باید عدم اقناع شهروندان و تبیین الزامات این ساختار برای آنها را یکی از جدی‌ترین موانع عملیاتی شدن بودجه سال آینده دانست. نکته دیگری که نباید در این خصوص از نظر دور داشت، وضعیت و جایگاه فعالان اقتصادی به‌ویژه در حوزه احداث - شامل سازندگان، پیمانکاران و مشاوران - که عمده فعالیت‌های اقتصادی‌شان با دولت و منابع مالی آن گره خورده، در بودجه سال آتی است. به‌نظر می‌رسد گسترده شدن مشکلات بنیادی بودجه در سال آتی و دامنه‌دار شدن مشکلات این حوزه چندان دور از ذهن نیست. در حقیقت کسری بودجه مستمري که طی سال‌های اخیر به تناب با آن مواجه بوده‌ایم یکی از این چالش‌های بنیادین، ساختاری و عمیقی است که در ابعاد کلان به انباشت گسترده بدهی‌های دولت به بخش‌های مختلف منجر شده و روند توسعه زیرساخت‌ها را با کندی پیش‌رونده‌ای مواجه کرده است. این مساله کاهش منابع دولت برای انجام سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی را به‌دنبال داشته است. در روند رو به افول توسعه زیرساختی کشور، ظرفیت‌های قابل توجه بخش خصوصی تامین‌کننده تجهیزات، کالاها و خدمات حوزه‌های زیربنایی به تدریج رو به زوال می‌گذارد و بیم آن می‌رود که بودجه ۹۹ این روند را سرعت ببخشد. با توجه به همه این موارد همچنان مسیر پیش‌رو برای اقتصاد کشور مه‌آلود، مبهم و غیرقابل پیش‌بینی است و این مساله سال ۹۹ را نیز برای فعالان اقتصادی همچنان پرریسک و پرمخاطره نگه می‌دارد.

تعیین مالیات منصفانه برای آنها وجود داشته باشد. برخی از صنایع پردرآمد که عمدتاً جزو صنایع مادر و بالادستی هستند، از معافیت‌های مالیاتی قابل توجهی برخوردارند و دولت به‌رغم بهره‌برداری این صنایع از انرژی ارزان قیمت و منابع طبیعی، نخواستگی یا شاید نتوانسته مالیات آنها را حداقل با سایر صنایع برابر کند. آن هم در شرایطی که سود سالانه برخی از این صنایع رقمی بالای ۱۰ هزار میلیارد تومان است. با استناد به این محورها می‌توان استنباط کرد که افزایش پایه مالیاتی می‌تواند معیشت مردم را متاثر کرده و صنایع مولد و عمدتاً پایین‌دستی را تحت فشار مضاعفی قرار دهد.

دولت پیش از هر اقدامی باید بازنگری و بازتعریف ساختارهای مالیاتی را در دستورکار خود قرار دهد که بودجه مالیات‌محور به ابزاری برای حاکم کردن عدالت اجتماعی و اقتصادی بدل شود، نه اهرم فشار بر مودیان خوش‌حساب مالیاتی. در حقیقت بودجه ۹۹ به‌عنوان مهم‌ترین سند مالی سال آتی می‌توانست یک تغییر ساختار خفیف، اما موثر را در قالب افزایش پایه مالیاتی با اتکا به صنایع پردرآمد متکی بر منابع طبیعی و انرژی و شناسایی مشاغل فراری از مالیات دنبال کند. اما دولت باز هم ساده‌ترین راه را برای پیچیده‌ترین اقدام مالی سال آینده‌اش برگزید. افزایش یکپارچه مالیات بدون تردید می‌تواند به یک چالش جدی برای فعالان صنعتی به‌ویژه در صنایع ساخت‌محور بدل شود. نکته حائز اهمیت دیگری که باید به شکل جدی مدنظر قرار گیرد این است که دولت برای پیاده‌سازی مکانیزم بودجه‌ای مالیات‌محور، بیش از هر چیز به اجماع ملی نیاز دارد. قطعاً جوامع توسعه‌یافته برای بدل کردن نظام بودجه‌ریزی خود به یک ساختار قدرتمند و اثرگذار مالیاتی بیش از هر چیز همراهی شهروندان خود را



مواجهند، اعمال ساختارهای سخت‌گیرانه مالیاتی و افزایش نرخ مالیات، می‌تواند به مشکلات دامن بزند. پیاده‌سازی یک بودجه متکی بر مالیات بدون تردید نیاز به پیش‌زمینه‌ها و بسترسازی‌هایی دارد که بخشی از آنها به اقتصاد وابسته است و بخش مهم دیگری از آنها متکی بر حاکمیت، مردم و سرمایه اجتماعی جاری در بین آنهاست. اما چرا زمان نامناسبی برای تغییر کانون درآمدی بودجه است؟ برای این مساله می‌توان دلایل متعددی ذکر کرد اما دو دلیل شاخص آن به قرار زیر است: ساختار مالیاتی کشور شفاف، جامع و فراگیر نیست. در این ساختار مودیان مالیاتی خوش حساب با دفاتر مالی شفاف عمدتاً مشخص هستند و فعالان اقتصادی به‌ویژه در حوزه مولد اقتصاد سهم قابل توجهی از این بخش را به‌خود اختصاص داده‌اند. اما در مقابل مشاغل پردرآمد فراری از مالیات پرتعدادند، بدون اینکه چارچوب تعریف شده‌ای برای شناسایی، سنجش درآمد و

بشکه نفت وابسته است.

این ارقام در شرایط غیرقابل پیش‌بینی کنونی که ایران تحت‌تاثیر تحریم‌ها نمی‌تواند سهم ثابتی از بازار جهانی نفت داشته باشد، یک خطر بالقوه برای کسری بودجه گسترده محسوب می‌شود. اگر به هر دلیلی فروش این یک میلیون بشکه دچار مخاطره شود، قطعاً باید منتظر عواقب گسترده مالی برای کشور باشیم. روی دیگر لایحه بودجه سال ۹۹ افزایش پایه مالیاتی است. اگرچه این راهکار می‌توانست به یک نقطه عطف تاریخی در نظام بودجه‌ریزی کشور تبدیل شود، اما به‌نظر می‌رسد پیاده‌سازی این سیستم در زمان مناسبی انجام نشده است. درست در زمانی که کشور با یک رکود تورمی دنباله‌دار مواجه است، بخش مولد اقتصاد زیر فشار بی‌ثباتی‌ها و سیاست‌گذاری‌های نادرست، عملاً به ضعیف‌ترین حالت خود رسیده و اقشار مختلف کشور در لایه‌های درونی جامعه با مشکلات معیشتی جدی

خوشبختانه متولیان وزارت نیرو توانستند بخشی از این بدهی‌ها را تسویه کنند. اما در سال ۹۸ یکسری مشکلات به دلیل برخی محدودیت‌ها که بانک‌ها داشتند به وجود آمد. برای سال ۹۹ هم ۲ هزار میلیارد تومان در تبصره ۵ پیش‌بینی شده است تا از طریق اوراق تسویه بخشی از این بدهی‌ها پرداخت شود. اگر این امکانات فراهم شود دایره مشکلات تامین منابع نیز بسته‌تر و کوچک‌تر خواهد شد. اما مساله اصلی که در حوزه سرمایه‌گذاری صنعت برق مطرح است، گران بودن سرمایه‌گذاری است. زمانی می‌توان از منابع دولت استفاده کرد که بهترین استفاده را در صنعت برق در بخش اشتغال‌زایی داشت. زیرا هزینه‌ای که از این محل پرداخت می‌شود، سرمایه‌گذاری‌اش نسبت به اشتغالی که ایجاد می‌کند سنگین‌تر است. منطقی‌تر آن است که این منابع به اقداماتی اختصاص یابد که سرمایه‌گذاری کمتری برای اشتغال‌زایی نیاز داشته باشد. اگر برای این موضوع فکری شود، می‌توان از منابع تبصره ۱۸ قانون بودجه هم استفاده کرد. البته دو اقدام دیگر هم در دستور کار وزارت نیرو قرار دارد. بحث برقی کردن چاه‌های کشاورزی که مجوز ۱/۶ میلیارد دلار آن از شورای اقتصاد گرفته شده است. قرار است از این محل ۱۰۰ هزار حلقه چاهی که در حال حاضر از گازوئیل استفاده می‌کنند برقی شوند. با این روش به دلیل نصب کنتورهای هوشمند هم استحصال آبی که مصرف می‌شود مدیریت می‌شود و هم از جهت مصرف برق در تابستان صرفه‌جویی صورت می‌گیرد. همچنین بحث تعویض کولرهای پنجره‌ای در مناطق گرمسیر مطرح است که به شورای اقتصاد ارسال شده و این اقدام می‌تواند حدود ۱۶۰۰ مگاوات از بار پیک کشور را کاهش دهد.

روش‌های قبلی این است که براساس آیین‌نامه‌ای که در بند «ت» ماده (۴۸) قانون برنامه ششم توسعه تعیین شده است، وزارت نیرو مکلف است مناقصه‌ای برای مناطقی که نیاز به احداث نیروگاه دارند برگزار می‌کند و از این مسیر نرخ خرید تضمینی مشخص می‌شود. اما در بخش انتقال و فوق توزیع نیز سالانه به ۱۰ هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری نیاز است که ۳ هزار میلیارد تومان آن از هزینه انشعاب دریافت هزینه می‌شود. ۳ هزار میلیارد تومان دیگر هم از منابع داخلی وزارت نیرو تامین می‌شود که از مجرای فروش برق کسب خواهد شد. ۴ هزار میلیارد تومان باقی‌مانده، بخشی از صندوق توسعه ملی و بخشی هم از محل عوارض تامین می‌شود.

اما در این بین مشکلات و چالش‌هایی هم برای تامین منابع وجود دارد. در بخش تولید دو آیتم قابل تعریف است. یکی بحث خرید تضمینی است که هزینه آنها با توجه به افزایش نرخ ارز به تناسب افزایش پیدا کرده است. در حال حاضر، به‌طور متوسط، هر یک کیلووات ساعت برق تولید شده در نیروگاه‌های مقیاس کوچک، حدود ۲۴۰ تومان خریداری می‌شود. البته این جدا از سوخت یارانه‌ای است که به آن تعلق می‌گیرد. این در حالی است که وزارت نیرو هر کیلووات ساعت برق را با قیمتی برابر با ۷۰ تومان در دسترس مشترکان قرار می‌دهد. این عدد برای نیروگاه‌هایی که قراردادهای تبدیل انرژی دارند مثل نیروگاه‌های بزرگ و نیروگاه‌های سیکل ترکیبی بین ۱۸۰ تا ۲۰۰ تومان است. قاعدتا این اختلاف قیمت در برق خریداری شده و برقی که در دسترس مردم قرار می‌گیرد، مشکلاتی را برای پرداخت‌ها به وجود می‌آورد که در نهایت منجر به بدهی‌ها می‌شود. در قانون بودجه سال ۹۷



ترکیب تامین مالی تولید برق

مصطفی‌رجبی‌مشهدی

سخنگوی صنعت برق کشور

ارزیابی‌ها حاکی است برای پاسخگویی به رشد تقاضا، سالانه به ۳ تا ۵ هزار مگاوات ظرفیت جدید نیروگاهی برای تامین برق کشور نیاز است. برای بخش تولید، انتقال و فوق توزیع سالانه به‌طور متوسط به ۵۰ هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری نیاز است که از این مقدار ۴۰ هزار میلیارد تومان صرف توسعه بخش تولید خواهد شد که عمدتاً از منابع بانک‌ها یا صندوق توسعه ملی تامین می‌شود. در این میان وزارت نیرو هم برق تولید شده از سمت فعالان بخش خصوصی را با نرخ تضمین که از طریق مناقصه مشخص می‌شود را پرداخت می‌کند. تفاوت این روش با

AC ABHAR CABLE
www.abharcable.com

افتخاری دیگر...
نخستین شرکت دانش بنیان صنعت کابل در ایران

کابل‌های فوق فشار قوی
۲۳۰ و ۴۰۰ کیلو ولت

برتری‌های تکنولوژیکی:

- بهبود ایمنی و ضریب بالای قابلیت اعتماد انتقال توان
- کاهش خطرات برق گرفتگی و میدانهای الکتریکی
- آزادسازی فضای اشغال شده توسط پایه دکل‌های بزرگ
- افزایش زیبایی بصری محیط شهری

مضمون دانش بنیان

کابل ابهر نخستین شرکت دانش بنیان صنعت کابل در ایران

شرکت کابل ابهر به عنوان نخستین شرکت دانش بنیان صنعت کابل در ایران، کابل‌های فشار قوی ۲۳۰ و ۴۰۰ کیلو ولت تولید کرده است. بهبود ایمنی و ضریب بالای قابلیت اعتماد انتقال توان، کاهش خطرات برق گرفتگی و میدان‌های الکتریکی، آزادسازی فضای اشغال شده توسط پایه دکل‌های بزرگ و افزایش زیبایی بصری محیط شهری از برتری‌های تکنولوژیکی این تولیدات است.



در گفت‌وگو با فعالان بخش خصوصی صنعت برق بررسی شد

آینده نیروگاه‌های مقیاس کوچک در ایران

دنیای اقتصاد: نیروگاه‌های مقیاس کوچک یکی از محبوب‌ترین نیروگاه‌های تولید برق در جهان به‌شمار می‌روند که به‌دلیل مزیت‌هایی همچون «نیاز کمتر به جذب سرمایه»، «راندمان بالا» و «افزایش تاب‌آوری صنعت برق» در سرلیست تولیدکنندگان برتر برق جانمایی شده‌اند. اما این نیروگاه‌های کوچک مقیاس که احداث آنها در ایران سابقه‌ای ۱۰ساله دارد، با چالش‌هایی در کشور مواجهند که روند توسعه آنها را با دست‌اندا‌زهایی مواجه کرده است. این در حالی است که به‌اعتقاد فعالان بخش خصوصی به‌دلیل کمبود نقدینگی و مشکلات جذب سرمایه، بهترین گزینه برای تامین برق پایدار در شرایط سخت امروز کشور، DG (تولید پراکنده)ها

هستند. «دنیای اقتصاد» در گفت‌وگو با دو فعال بخش خصوصی به سرفصل چالش‌های این نیروگاه‌ها پرداخته است و این پرسش را مطرح کرده که سیاست‌گذاران برای شتاب رشد CHP ها در کشور چه اقداماتی را باید در دستور کار قرار دهند.

آینده نیروگاه‌های مقیاس کوچک در ایران احسان صدر، رئیس هیات‌مدیره انجمن تولیدکنندگان برق، حرارت و برودت کشور در این گپ و گفت ابتدا به مزیت نیروگاه‌های پراکنده اشاره کرد. به‌گفته او، CHPها در دنیا از محبوبیت ویژه و خاصی برخوردارند؛ نخست اینکه به سرمایه‌گذاری کمتری نیاز دارند؛ دومین مزیت آنها راندمان مصرف انرژی آنهاست که در حالت کلی بالاتر است و بالاخره مزیت سوم مقیاس کوچک‌ها، افزایش تاب‌آوری صنعت برق است. صدر معتقد است این مزایا باعث شده در دو دهه گذشته، گرایش به سمت تولید پراکنده برق در دنیا افزایش یابد؛ به‌گونه‌ای که در بسیاری از کشورها، ضریب نفوذ تولید پراکنده به حدود ۶۰ درصد رسیده است. به‌اعتقاد او، الزام استفاده از کوچک مقیاس‌ها در ایران نسبت به کشورهای اروپایی جدی‌تر است؛ چراکه مهم‌ترین مزیت CHPها نیاز کمتر به جذب سرمایه است. به‌طور مثال، اگر از روش متمرکز یا نیروگاه‌های بزرگ، تامین برق صورت گیرد، حدود ۶۰۰ هزار یورو در هر مگاوات باید بابت هزینه نیروگاه سرمایه‌گذاری شود که البته این پایان داستان نیست؛ زیرا باید ۴۰۰ هزار یورو دیگر هم برای توسعه شبکه انتقال و فوق توزیع هزینه شود تا برق به‌دست مصرف‌کننده برسد؛ به‌عبارت دیگر یعنی حدود یک میلیون یورو به ازای هر مگاوات برق. این در حالی است که به گفته صدر، در تولید پراکنده این عدد کمتر از نصف است؛ یعنی به‌ازای هر مگاوات برق، ۴۰۰ تا ۴۵۰ هزار یورو سرمایه‌گذاری نیاز است. یکی از

دلایل اصلی نیاز کمتر به سرمایه در نیروگاه‌های مقیاس کوچک، جانمایی آنها در محل مصرف برق به‌شمار می‌رود که نیاز آنها را به توسعه شبکه محدود می‌کند. به‌اعتقاد صدر، این موضوع از این منظر حائز اهمیت است که در حال حاضر بزرگ‌ترین مشکل و چالش در کشور، تامین منابع مالی برای پروژه‌های راکد است. به‌گفته او، ایران به‌دلیل تحریم‌ها امکان اتصال به سیستم بانکی دنیا را ندارد و این موضوع استفاده از منابع سرمایه‌ای با نرخ پایین را ناممکن کرده است. استفاده از الگوی تولید پراکنده یا تولید برق در محل مصرف که به منابع سرمایه‌ای هنگفتی نیازی ندارد، یکی از راه‌های عبور از این دست‌اندا‌ز محسوب می‌شود.

حال این پرسش مطرح است که اگر CHPها چنین مزیت‌هایی دارند چرا در راستای تامین برق پایدار در کشور، توسعه نیافته‌اند؟ علی‌علایی، عضو هیات‌مدیره انجمن تولیدکنندگان پراکنده برق معتقد است سال گذشته از ۱۸۰۰ مگاوات جدیدی که به‌ظرفیت نیروگاه‌ها اضافه شد، ۴۵۰ مگاوات سهم DGها بوده است. البته او دلیل این سهم به نسبت مطلوب را نیروگاه‌های تولید پراکنده‌ای می‌داند که از گذشته احداث شده‌اند. به‌اعتقاد علی‌علایی، در گذشته متولیان از CHPها حمایت می‌کردند؛ اما به‌یکباره این پشتیبانی با توقف مواجه شد؛ منع غیرقانونی صدور مجوزها که از دو سال پیش آغاز شد یکی از این گلوگاه‌ها به‌شمار می‌رود. به‌گفته او، بعد از تغییرات مدیریتی که در شرکت توانیر رخ داد، بارها متولیان به فعالان صنعت برق قول دادند که روند مجوزدهی را از سر بگیرند؛ اما متأسفانه تا امروز، به‌طور رسمی صدور مجوزها بازگشایی نشده است. علی‌علایی یکی دیگر از نقاط اختلاف‌نظر بخش خصوصی و وزارت نیرو را در مبحث سرمایه‌گذاری‌ها می‌داند. به باور او، هر فردی که با سرمایه‌گذاری، قیمت تمام شده برق را برای ظرفیت‌های جدید کمتر می‌کند باید به او

مجوز داده شود و این مهم در مصوبه شورای اقتصاد و با استفاده از نرخ مناقصه بزرگ برای کل نیروگاه‌های کوچک نیز پیش‌بینی شده است. اینکه سیاست‌گذاران اعلام می‌کنند تنها در مکان‌هایی که آنها می‌گویند باید نیروگاه ساخته شود، به یک چالش تبدیل شده است. به‌اعتقاد علی‌علایی، اعمال سلیقه در مجوزدهی، امری کاملاً اشتباه و منسوخ است.

اما مساله دیگری که علی‌علایی آن را به لیست چالش‌ها اضافه می‌کند، قراردادهای خرید تضمینی برق است. او معتقد است براساس بند «ت» ماده ۴۸ برنامه ششم که شورای اقتصاد در رابطه با خرید تضمینی برق مصوب کرده است، باید در ۵ سال برنامه ششم ۲۵ هزار مگاوات ظرفیت جدید نیروگاهی به کشور اضافه شود. اما با گذشت سه سال از برنامه ششم توسعه، به تازگی حدود یک‌ماه است که نرخ قراردادهای خرید تضمینی ابلاغ شده؛ این موضوع به‌اعتقاد او صنعت برق را در بخش نیروگاه‌های مقیاس کوچک با یک وقفه و به‌نوعی سکنه روبه‌رو کرده است. در ادامه این گفت‌وگو رئیس هیات‌مدیره انجمن تولیدکنندگان برق، حرارت و برودت کشور، نمایی از وضعیت CHPها در دنیا ارائه کرد و گفت: اکنون حدود ۱/۶ درصد از ظرفیت نیروگاه‌های نصب شده ما را نیروگاه‌های پراکنده تشکیل داده‌اند. این در حالی است که در کشورهای توسعه‌یافته این عدد بین ۱۰ تا ۵۵ درصد است. این شکاف بسیار عمیق است. اما علت چیست؟ آیا سازوکارهای خصوصی‌سازی در این حوزه اتفاق نیفتاده است؟ در پاسخ به این پرسش‌ها باید گفت، وزارت نیرو یکی از پیشروترین دستگاه‌های اجرایی برای خصوصی‌سازی بوده است. اما رفته رفته اشکالاتی پیش آمد که اعتقاد اولیه در توسعه تولید پراکنده برق را دچار اختلال کرد و باعث شد با وجود اینکه سرمایه‌گذاران زیادی در این حوزه تربیت شدند؛ اما این پروژه عقب‌تر از سایر پروژه‌ها بماند.



در قالب یک مقاله بررسی شد؛

بررسی عوامل موفقیت در عملیات ساخت ایستگاه‌های برق فشارقوی

ایسنا/اصفهان نتایج یک پژوهش از محققان اصفهانی نشان می‌دهد که اولویت بندی معیارهای موفقیت در ساخت ایستگاه‌های برق فشارقوی به دلیل حساسیت این پروژه‌ها، حائز اهمیت است. همچنین رده بندی عوامل تشکیل دهنده این معیارها نیز به منظور دستیابی به پروژه موفق، لازم و کاربردی است.

در پژوهشی که در خصوص "بررسی مهمترین عوامل موفقیت در عملیات ساخت ایستگاه‌های برق فشارقوی" توسط تیم پژوهشگران متشکل از حمیدرضا هیرمند (کارشناسی ارشد عمران - مهندسی و مدیریت ساخت، دانشگاه آزاد واحد خوراسگان)، سید علیرضا زارعی (استادیار گروه عمران دانشگاه آزاد واحد خوراسگان) و رسول موسی رضایی (مدیر عامل شرکت برق منطقه ای اصفهان) انجام شد، آمده است: «هریک از پستهای برق فشارقوی براساس بازدهی مد نظر، انواع مختلف تجهیزات الکتریکی با چیدمانهای متفاوت داشته و

در نتیجه تکنولوژی و نحوه ساخت منحصر به فرد خواهند داشت. همچنین اثر متقابل و همکاری بخش های مختلف عمران، الکتریک، تاسیسات و ابزار دقیق در این پروژه‌ها به صورت ذاتی وجود دارد و رسیدن به موفقیت در این پروژه‌ها مستلزم تعیین معیارهای کلیدی و مهم جهت مدیریت هماهنگ پروژه در کلیه بخش‌ها و تامین انتظارات در هر قسمت خواهد بود.

حمیدرضا هیرمند یکی از پژوهشگران این تحقیق در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: با گسترش تقاضا و افزایش مصرف انرژی الکتریکی، نیاز به توسعه و تولید این انرژی و گسترش شبکه انتقال آن امری اجتناب ناپذیر است.

وی با بیان اینکه پست‌های برق از مهمترین قسمت‌های شریان حیاتی برق رسانی هستند که قطع برق در آنها می‌تواند اثرات ناگواری ایجاد کند، افزود: هر یک از پست‌های برق فشارقوی براساس بازدهی مد نظر، انواع مختلف تجهیزات الکتریکی با چیدمان‌های متفاوت داشته و در نتیجه تکنولوژی و نحوه ساخت منحصر به فرد خواهند داشت.

این پژوهشگر ادامه داد: همچنین اثر متقابل و همکاری بخش‌های مختلف عمران، الکتریک، تاسیسات و ابزار دقیق در این پروژه‌ها به صورت ذاتی وجود دارد و رسیدن به موفقیت در این پروژه‌ها مستلزم تعیین معیارهای کلیدی و مهم جهت مدیریت هماهنگ پروژه در تمام بخش‌ها و تامین انتظارات در هر قسمت خواهد بود.

هیرمند تصریح کرد: در این تحقیق شش گروه معیار و تمام عوامل مرتبط با این شش معیار برای پوشش تمام موضوعات مربوط به موفقیت پروژه در گسترده‌ترین مفهوم تعریف و پس از بررسی پایایی پرسشنامه تهیه شده، پرسشنامه مقدماتی

بین نمونه آماری توزیع شد. وی با بیان اینکه بعد از جمع آوری اطلاعات پرسشنامه، ابتدا تحلیل توصیفی داده‌های جمعیت شناختی جامعه آماری انجام گرفت، اظهار کرد: سپس با انجام آزمون‌های گولموگروف-اسمیرنوف، فریدمن و کروسکال والیس به کمک نرم افزار SPSS، تحلیل داده‌های اختصاصی انجام گرفت.

این پژوهشگر در خصوص نتایج این پژوهش گفت: نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اولویت بندی معیارهای موفقیت در ساخت ایستگاه‌های برق فشارقوی به دلیل حساسیت این پروژه‌ها، حائز اهمیت است. همچنین رده بندی عوامل تشکیل دهنده این معیارها نیز جهت دستیابی به پروژه موفق، لازم و کاربردی است. علاوه بر آن رتبه بندی تمام عوامل نسبت به یکدیگر قابل اندازه گیری است و همچنین تجزیه و تحلیل تفاوت میان متغیرهای پژوهش بر اساس متغیرهای جمعیت شناختی وجود دارد.

هیرمند در خصوص نتایج آزمون‌ها و محاسبات آماری انجام شده برای تعیین ملاک موفقیت پروژه‌های ساخت ایستگاه‌های فشار قوی برق، تصریح کرد: از هر دو دیدگاه کلان و خرد (بررسی معیارها و عوامل) و با لحاظ توأم نظرات کارفرمایان، مشاوران و پیمانکاران بررسی شد و نتایج بر روی فرضیه‌ها تفسیر شده و برای هر یک از نتایج به دست آمده مفهوم سازی شد.

وی با تاکید بر اینکه چنین کاری زمینه ساز تعمیم دستاوردهای تحقیق به جامعه اصلی و همچنین نظریه پردازی خواهد بود، خاطر نشان کرد: نتایج پژوهش در اولویت بندی معیارها تایید بر لزوم رعایت قیود و ایجاد تعادل بین اضلاع مثلث مدیریت پروژه (هزینه، کیفیت و زمان) را دارد.

این پژوهشگر اضافه کرد: نقش مشاوران خبره در حوزه ساخت اینگونه پروژه‌ها بسیار مورد توجه قرار گرفت. با توجه به اثر متقابل و همکاری بخش‌های مختلف عمران، الکتریک، تاسیسات و ابزار دقیق در این پروژه‌ها مشاور نقش مهمی در تهیه طرح و برنامه ریزی جهت انجام کار خواهد داشت.

هیرمند همچنین ادامه داد: در زمینه‌هایی همچون تطبیق عملیات ساخت با نیازهای بخش الکتریکی و رعایت تمهیدات نصب تجهیزات در مراحل ساخت، مشاور خبره می‌تواند با تهیه نقشه‌های اجرایی و اسناد و مدارک قراردادهای به صورت جامع و فراگیر، از هرگونه اختلاف نظر بین طرفین قراردادهای جلوگیری و نقش موثری در کاهش عوامل تهدید کننده پروژه داشته باشد.

وی افزود: همچنین توانایی مالی پیمانکاران به عنوان عامل مهمی در جلب رضایت کارفرمایان مشخص شد. چرا که ریسک عدم تامین منابع مالی توسط کارفرما پروژه را کمتر تحت تاثیر قرار می‌دهد. این پژوهشگر با تاکید بر اینکه جامعه آماری خواستار بهره برداری کم هزینه و آسان در زمینه ساخت پروژه در مقایسه با بی هزینه بودن بهره برداری از پروژه در زمینه الکتریکی (برخی از ایستگاههای فشارقوی برق از لحاظ تکنولوژی تجهیزات برقی، نیاز به نگهداری ندارند که به اصطلاح به آنها Maintenance Free گفته می‌شود) هستند، گفت: در این تحقیق همچنین مشخص شد که مهمترین عامل در خصوص رضایت مندی تیم پروژه، رضایت از درآمد است، چرا که بسیاری از متخصصان با وجود داشتن مشاغل مهم و کلیدی تنها به دلیل کمی در آمد از شغل خود احساس رضایت نمی‌کنند و به تبع آن تمرکز و کارایی لازم را ندارند.

بزن به برقی



«بزن به برقی» به تولید نزدیک می‌شود
استقبال از نهادهای مسئول

تهیه کننده مستند مسابقه «بزن به برقی» که برای شبکه نمایش خانگی تولید می‌شود از مذاکره با نهادهای گوناگون برای مشارکت در تولید مسابقه خبر داد.

اسماعیل ترکزاد تهیه کننده مستند مسابقه «بزن به برقی» که برای شبکه نمایش خانگی تولید می‌شود، درباره آخرین وضعیت این مجموعه به خبرنگار مهر توضیح داد: شکر خدا بعد از آغاز پیش تولید این مسابقه که با هدف آشنایی با اتومبیل‌های برقی و با حضور هنرمندان سینما و تلویزیون و قهرمانان ورزشی تولید می‌شود، استقبال خوبی از طرف نهادهای مسئول و واحدهای صنعتی شده است.

وی افزود: ما اکنون در حال مذاکره با نهادهای گوناگون برای همکاری در تولید هستیم و همچنان که با پلیس راهور در حال مذاکره هستیم، از مشاوره اساتید متخصص دانشگاه صنعتی خواجه نصیر هم بهره مندیم و در حال گفتگو و پیدا کردن استعدادهای اهل فن در زمینه مکانیک اتومبیل هستیم.

ترکزاد در پایان اعلام کرد: امیدوارم به زودی وارد تولید مجموعه شویم. به ویژه که فرهنگسازی در حوزه استفاده بهتر از انرژی، یک نیاز ضروری است.

این مسابقه بخشی به نام «گاراژ» دارد که هر بار در این بخش یک چهره شناخته شده از بین اهالی هنر، ورزش و ... یک ماشین کلاسیک بنزینی می‌آورد و در برنامه نشان داده می‌شود که این ماشین را چگونه می‌توان به یک ماشین برقی تبدیل کرد.

ثبت انرژی مصرفی را امری مهم دانست و گفت: طرح تعویض کنتورهای معیوب در دو فاز شناسایی کنتورهای معیوب و تعویض آنها برنامه‌ریزی شده است و در فاز اول این طرح، طی ۹ ماه ابتدایی سال جاری، بیش از ۱۵ هزار دستگاه کنتور برق معیوب شناسایی شده است.

کازمی در تشریح معیارهای انتخاب کنتور معیوب جهت تعویض اظهار داشت: بیش از ۴ هزار دستگاه کنتور در طی تست و بازرسی لوازم اندازه‌گیری مشترکین شناسایی شده‌اند که از این تعداد بیش از ۱۱۰۰ دستگاه به دلیل دستکاری و نزدیک به ۳۰۰۰ دستگاه به دلیل معیوب بودن کنتورها و یا داشتن خطای غیرمجاز نیاز به تعویض دارند.

وی ادامه داد: علاوه بر شناسایی لوازم اندازه‌گیری در مرحله‌ی تست و بازرسی تعداد ۱۱ هزار و ۵۰۰ دستگاه کنتور نیز براساس گزارش‌های کنتورنویسی عمدتاً با ایراداتی مانند خرابی و عدم ثبت کارکرد، شکستگی شیشه‌ی کنتور و ... شناسایی شده‌اند.

کازمی همچنین با اشاره به شروع فاز دوم اجرای طرح، عملکرد تعویض کنتورهای معیوب از آبان تا پایان آذرماه سال جاری تصریح کرد: در این مدت، تعداد ۱۰۶۹ دستگاه کنتور معیوب تعویض شده است.

به گفته‌ی وی، با شناسایی و تعویض کنتورهای معیوب مذکور، حدود ۱/۲ میلیون کیلووات ساعت انرژی احصاء شده است.

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق تبریز در پایان ابراز امیدواری کرد: سهمیه‌ی تحویل کنتور دیجیتال شرکت توزیع برق تبریز در سال ۹۸، ۱۰ هزار دستگاه تعیین شده است که این سهمیه طی ۳ مرحله تا پایان سال تحویل گرفته و در مشترکین عمدتاً خانگی و تجاری نصب خواهد شد.



برنامه‌ریزی برای تعویض ۱۰ هزار دستگاه کنتور برق معیوب

توسط برق تبریز

مهرتبریز-مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق تبریز از برنامه‌ریزی برای تعویض ۱۰ هزار کنتور برق معیوب خبر داد.

به گزارش خبرنگار ما؛ عادل کازمی شناسایی و تعویض کنتورهای معیوب برق و اطمینان از صحت

عدم همراهی دستگاه‌ها، اجرای قانون را به تعویق انداخته است

در ادامه این نشست اجرای حکم ماده ۷ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار و آیین‌نامه اجرایی آن مبنی بر تشکیل کمیته ساماندهی مراجعه نمایندگان دستگاه‌های اجرایی به واحدهای تولیدی و راه‌اندازی سامانه مربوط مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس اظهارات سلاح‌ورزی، هیات وزیران، آیین‌نامه اجرایی این ماده قانونی را در مرداد ۹۵ به تصویب رساند، بر این اساس وزارت صنعت، معدن و تجارت موظف است با همکاری دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و اتاق‌ها و با نظارت و تأیید کمیته ساماندهی مراجعه نمایندگان دستگاه‌ها به واحدهای تولیدی، طی شش ماه پس از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این آیین‌نامه نسبت به طراحی و راه‌اندازی سامانه اقدام کند.

وی ادامه داد: طبق پیگیری‌های انجام شده وزارت صنعت، معدن و تجارت اعلام کرده به دلیل عدم تشکیل جلسات این کمیته، سامانه هنوز وارد فاز عملیاتی نشده است، هرچند زیرساخت‌های آن آماده است.

رضا رحمانی، وزیر صنعت، معدن و تجارت از مخالفت وزارتخانه با تصویب آیین‌نامه به این شکل در همان ابتدای امر سخن گفت و تأکید کرد: با وجود مخالفت‌ها، آیین‌نامه تصویب شد و ما ملزم به اجرا هستیم. در حال حاضر از نظر فنی، تمام زیرساخت‌های ایجاد سامانه مذکور فراهم است اما همراهی لازم از سوی دستگاه‌های مربوط وجود ندارد. این موضوع باید به صورت فرابخشی دنبال می‌شد و نباید برعهده یک وزارت خانه قرار می‌گرفت.

[متن کامل](#)

فقط ایران، منطقه و همه آزادی خواهان جهان در سوگ شهادت حاج قاسم نشسته‌اند و در این مدت نشان دادند که افراد می‌توانند به درجه محبوبیت در زمین و آسمان برسند؛ فقط کافی است اخلاص داشته باشند و از خود گذشتگی نشان دهند.

دژپسند خاطر نشان کرد: سپهبد سلیمانی به دعوت رسمی عراق به این کشور سفر کرده بود و هیچ دلیلی بر اقدام تروریستی وجود نداشت. متأسفانه آمریکا برخلاف تمام قوانین بین‌المللی از موضع قلدری و شبیه قوانین جنگل دست به اقدامی زد که حقوقدانان بین‌المللی نیز آن را رد می‌کنند، چنانچه این اتفاق برای یک شهروند ساده آمریکایی رخ داده بود، هیات حاکمه آمریکا به نحو دیگری برخورد می‌کرد، درحالی‌که اکنون رئیس‌جمهور آمریکا به طور رسمی لباس تروریستی بر تن کرده است.

وزیر اقتصاد اضافه کرد: ایران در عرصه بین‌المللی سعی دارد با FATF به مقابله با تأمین مالی تروریسم برود، از این طرف هیات حاکمه آمریکا به شکل رسمی بر اساس اعلام ترامپ از محل بودجه آن کشور مشغول تأمین مالی تروریسم است.

وی تصریح کرد: مردم منطقه هم به این اقدام پاسخ مناسب داده و مجلس عراق نیز قانون خروج آمریکا از این کشور را تصویب کرد.

دژپسند با اشاره به حضور بی‌نظیر مردم ایران در مراسم تشییع پیکر سپهبد حاج قاسم سلیمانی گفت: این حضور، سرمایه و پشتوانه‌ای برای عرصه اقتصادی نیز هست که باید از آن استفاده کرد و این را بدانیم که در حوزه اقتصادی هر کاری برای بهبود وضعیت انجام شود، حتماً مورد قدردانی قرار می‌گیرد، چون مردم نشان دادند هر کس برای رفاه، امنیت و بهبود شرایط زندگی‌شان تلاش کند، از او تقدیر می‌کنند.

پایگاه خبری اتاق ایران

نود و دومین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی برگزار شد. در این نشست روند اجرای حکم ماده ۷ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار و آیین‌نامه اجرایی آن مبنی بر تشکیل کمیته ساماندهی مراجعه نمایندگان دستگاه‌های اجرایی به واحدهای تولیدی و راه‌اندازی سامانه مربوط و اجرایی نشدن بند (پ) ماده ۱۱۷ قانون برنامه ششم توسعه مورد بررسی قرار گرفت.

در این نشست فرهاد دژپسند، وزیر اقتصاد و رئیس شورای گفت‌وگو با بیان اینکه یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های امروز کشور در حوزه اقتصادی، سرمایه‌گذاری است، از بخش خصوصی خواست تا در چارچوب فعالیت‌های بین‌المللی خود از طریق نهادهای مالی خارجی، تأمین مالی کرده و سرمایه‌های خارجی را به کشور بیاورد.

وی نقش‌آفرینی بخش خصوصی در تأمین مالی از طریق فاینانس را راهکاری مناسب در شرایط کنونی دانست و با تأکید بر لزوم فراهم شدن بسترهای این کار از طریق دستگاه‌های دولتی، گفت: البته بازار سرمایه نیز می‌تواند در این زمینه به تأمین مالی واحدهای تولیدی کمک کند.

وزیر اقتصاد با بیان اینکه تجارت کشور در ۹ ماهه امسال شرایط قابل قبولی داشته، افزود: این‌گونه تصور می‌شد که با فشارهای حداکثری تجارت کشور دچار مشکل شود اما در ۹ ماهه امسال صادرات و واردات کمترین تفاوت را نسبت به سال گذشته داشته و صادرات غیرنفتی هم از نظر وزنی ۲۰ درصد رشد نشان می‌دهد که بیانگر جدیت بخش خصوصی است.

رئیس شورای گفت‌وگو پیرامون موضوع شهادت سردار سپهبد سلیمانی نیز گفت: این روزها نه



وزیر اقتصاد در نود و دومین نشست شورای گفت‌وگو

بخش خصوصی از طریق نهادهای مالی خارجی مشکل تأمین مالی داخلی را حل کند

وزیر اقتصاد در نود و دومین نشست شورای گفت‌وگو با نگاهی به حضور چشم‌گیر مردم در مراسم تشییع پیکر شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی خاطر نشان کرد: این حضور، سرمایه‌ای برای عرصه اقتصادی نیز هست و باید بدانیم که هر اقدامی برای بهبود وضعیت مورد قدردانی قرار می‌گیرد. وی همچنین از بخش خصوصی خواست تا از طریق نهادهای مالی خارجی، مشکل تأمین مالی داخلی را حل کنند.

وزیر اقتصاد در نود و دومین نشست شورای گفت‌وگو با نگاهی به حضور چشم‌گیر مردم در مراسم تشییع پیکر شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی خاطر نشان کرد: این حضور، سرمایه‌ای برای عرصه اقتصادی نیز هست و باید بدانیم که هر اقدامی برای بهبود وضعیت مورد قدردانی قرار می‌گیرد. وی همچنین از بخش خصوصی خواست تا از طریق نهادهای مالی خارجی، مشکل تأمین مالی داخلی را حل کنند.

غلامحسین حسنتاش و رضا پدیدار در گفت‌وگو با پایگاه خبری اتاق ایران پاسخ می‌دهند

بازار جهانی نفت چه سرنوشتی خواهد داشت؟



دادند. رضا پدیدار رئیس کمیسیون انرژی اتاق تهران و غلامحسین حسنتاش کارشناس ارشد حوزه نفتی بر این باورند این واکنش‌ها کوتاه مدت است و بازار به ثبات خود بازمی‌گردد. با این حال نباید از جریان روند امور در منطقه غافل ماند.

پایگاه خبری اتاق ایران از حوالی ساعت یک بامداد جمعه که سردار حاج قاسم سلیمانی در جریان عملیات تروریستی دولت آمریکا به شهادت رسید، بلافاصله بازارهای جهانی نسبت به این اتفاق بااهمیت واکنش نشان دادند و هراس سرمایه‌گذاران به جهش قیمت جهانی نفت و طلا منجر شد. در اولین دقایق پس از انتشار خبر حمله تروریستی به کاروان حشد الشعبی، قیمت

جهانی نفت جهش کرد و بهار هر بشکه نفت برنت (به‌عنوان نفت شاخص بازار) ظرف یک ساعت ۴٫۵ درصد رشد کرد و از ۶۷ دلار به ۷۰٫۱۲ دلار برای هر بشکه رسید. در مقابل، ارزش دلار آمریکا در مقابل سایر ارزها نیز به پایین‌ترین سطح در دو ماه اخیر رسید.

«پایگاه خبری اتاق ایران» در گفت‌وگو با رضا پدیدار رئیس کمیسیون انرژی و محیط زیست اتاق تهران و غلامحسین حسنتاش نظرات این دو کارشناس را درباره تداوم واکنش و چشم انداز بازارهای جهانی به رویداد جمعه گذشته جویا شده است.

غلامحسین حسنتاش با بیان اینکه ترور سردار سلیمانی یک حادثه سیاسی و ژئوپلیتیکی است، دو سناریو را توضیح می‌دهد: طبعاً اثر روانی چنین حادثه‌ای و تنش در منطقه نفتی خاورمیانه این است که احتمال می‌رود درگیری گسترده‌تر شود که در صورت تحقق چنین احتمالی قطع احتمالی تولید و صادرات نفت اتفاق خواهد افتاد و قیمت‌ها افزایش پیدا خواهد کرد. اما اگر چنین اتفاقی نیفتد، قطعاً این اثر کوتاه‌مدت خواهد بود. چراکه به عبارتی عوامل اساسی بازار مثبت نیستند.

وی ادامه داد: بررسی‌ها نشان می‌دهد که در سال جدید میلادی رشد عرضه جهانی نفت خام از رشد تقاضای آن بیشتر و بازار با مازاد عرضه مواجه خواهد بود؛ بنابراین مازاد عرضه، قیمت جهانی نفت را به سمت پائین هدایت می‌کند. به همین دلیل هم بود که «اوپک پلاس» در اجلاس اخیر خود تصمیم به کاهش تولید گرفت. با این حال ارزیابی دقیق‌تر در گروهی این است که جریان روند امور در خاورمیانه به چه شکل پیش خواهد رفت.

رضا پدیدار هم با تاکید بر اینکه بخش مهمی از ثبات اقتصادی در گروهی فضای امن و امنیت است،

می‌گوید: هر جا صحبت از امنیت می‌کنیم، اول از همه این امنیت در بعد جغرافیایی و سیاسی و در نهایت بعد اقتصادی معنا پیدا می‌کند. چرا که اقتصاد برآیند فعالیت‌هاست؛ بنابراین زمانی که التهاب در جامعه به وجود آید، طبیعی است که این التهاب در همه عرصه‌های اقتصادی کشور تاثیرگذار باشد. با توجه به نقش تعیین کننده ایران در خاورمیانه هم بدیهی است که ترور سردار سلیمانی موجب ایجاد تلاطم و ناپایداری در تولید، توزیع، آماده‌سازی شود.

او در ادامه تصریح می‌کند: به نظر من طبیعی است تا زمانی که ما به تثبیت برسیم باید شاهد این هیجانات باشیم؛ اما چیزی که مشخص است، کوتاه مدت بودن واکنش روانی بازارها به این رخداد است. تجربه نشان داده است که واکنش‌های این چنینی ابتدا بر شاخص قیمت بازارهای حساسی مانند انرژی تاثیر خواهند گذاشت و پس از آن مبادلات و پایه‌های اقتصادی مانند ارز و طلا و در نهایت سهام را متاثر خواهند کرد.

رئیس کمیسیون انرژی و محیط زیست اتاق تهران تاکید می‌کند: هیچ کس نمی‌تواند ارزیابی کمی دقیقی داشته باشد. تنها در یک فضای کلان می‌توان گفت که چون بخش مهمی از اقتصاد را فضای روانی جامعه در برمی‌گیرد، بنابراین متاثر از تحولات، ابتدا شاهد واکنش سریع عرصه‌های اقتصادی هستیم و کم کم این واکنش کند و در نهایت پایدار خواهد شد. مشابه این وضعیت درست مثل زمانی است که عرضه‌ای در بدن به وجود آید تا وقتی که تمام اعضای بدن مجدد با هم هماهنگ شوند، طبیعی است که عملکرد بدن برای مدتی مختل شود.

پس از عملیات تروریستی آمریکا در عراق و به شهادت رسیدن حاج قاسم سلیمانی، بلافاصله بازارهای جهانی نسبت به این اتفاق واکنش نشان دادند. رضا پدیدار رئیس کمیسیون انرژی اتاق تهران و غلامحسین حسنتاش کارشناس ارشد حوزه نفتی بر این باورند این واکنش‌ها کوتاه مدت است و بازار به ثبات خود بازمی‌گردد. با این حال نباید از جریان روند امور در منطقه غافل ماند.

پس از عملیات تروریستی آمریکا در عراق و به شهادت رسیدن حاج قاسم سلیمانی، بلافاصله بازارهای جهانی نسبت به این اتفاق واکنش نشان

مصاحبه با پاکسر پانت مدیر گروه آموزش حرفه‌ای دانشگاه ام‌آی‌تی
بهره بردن از تنوع فرهنگی در کار



مدیریت کنند؟ بزرگ‌ترین چالش در مدیریت درست این تیم‌های کاری چیست؟
 اجازه دهید نظرم را به عنوان فردی بیان کنم که در زمینه «ارتباطات میان فرهنگی در کسب‌وکارهای جهانی» کلاس‌ها و سمینارهای مختلفی در دانشگاه‌های ام‌آی‌تی، هاروارد و دانشگاه‌های غیرآمریکایی برگزار کرده‌ام. با فرض اینکه رهبر یک تیم کاری می‌داند مساله فرهنگ و تفاوت دیدگاه‌ها چه اندازه در ارتباطات و موفقیت آنها موثر است، اولین قدم درک و شناخت اعضای تیم است. رهبر تیم باید بتواند مسائل را از منظر نگاه آنها ببیند. آیا رویکرد آنها در کار کردن، فردگرا است یا جمع‌گرا؟ آیا آنها وظیفه‌محور هستند یا رابطه‌محور؟ آیا با پس‌زمینه‌ای

سلسله‌مراتبی و آمرانه به تیم آمده‌اند؟ این سوال‌ها، بخشی از اطلاعات مورد نیاز برای ارتباط موثر رهبر با هر کدام از اعضای تیم را فراهم می‌کند تا به این صورت بتوان تعامل‌ها و فرآیند تصمیم‌گیری کارآتری داشت. اغلب مدیران و رهبران سازمانی زمان کافی برای شناخت و درک کارکنان خود سرمایه‌گذاری نمی‌کنند؛ آنها صرفاً روی تجربیات و مهارت‌های فنی کارکنان متمرکز می‌شوند. چنین رویه‌ای باعث بی‌تعادلی در روابط شده و بهره‌وری تیم را کاهش می‌دهد.

زمان ممکن است در فرهنگ‌های مختلف به شیوه‌های متفاوتی تفسیر شود. چگونه فرهنگ یک فرد بر درک و تفسیر او از زمان اثر می‌گذارد؟ چه اقداماتی می‌توان برای درک فرهنگ زمان طرف مقابل انجام داد؟

مردم‌شناسی به نام ادوارد هال، جهان را به دو فرهنگ کلی تقسیم می‌کند: فرهنگ‌های زبان ساده (Low context) و فرهنگ‌های زبان پیچیده (High context). در فرهنگ‌های زبان ساده بر خود واژه‌ها و ارتباطات تاکید می‌شود و در فرهنگ‌های زبان پیچیده، مسائل پیرامون ارتباطات مورد توجه قرار می‌گیرد. در فرهنگ‌های زبان ساده (به‌ویژه آن دسته که در غرب است)، زمان به عنوان یک منبع محدود شناخته می‌شود که نباید آن را هدر داد. وقت‌شناسی و برنامه‌ریزی به شدت در این فرهنگ‌ها اهمیت دارد. در فرهنگ‌های زبان پیچیده‌ای مانند آمریکای لاتین، خاورمیانه و آسیا، زمان ماهیتی معنوی و «نامحدود» پیدا می‌کند. در چنین فرهنگ‌هایی موفقیت صرفاً براساس اتمام برنامه‌ها در زمان مشخص تعیین نمی‌شود، بلکه دستیابی به روابط مطلوب در حین انجام وظایف اهمیت پیدا می‌کند. چنین طرز فکری در جهان غرب که وقت‌شناسی و وظیفه‌محور است، به سادگی درک نمی‌شود. این سخن به معنای آن نیست که در فرهنگ‌های زبان پیچیده، ضرب‌الاجل‌ها جدی گرفته نمی‌شوند. آنها به ضرب‌الاجل‌ها توجه می‌کنند اما در

کنار آن به فکر تقویت روابط حسنه برای موفقیت‌های بلندمدت هم هستند.

شما در مقاله‌ای به این موضوع پرداخته بودید که درک فرهنگ‌های مختلف از ضرب‌الاجل‌ها با یکدیگر تفاوت دارد. چگونه ضرب‌الاجل‌ها و موعد پایان کارها می‌تواند باعث سوءتفاهم در محل کار شود و چه راهکاری برای مدیریت موثر این تفاوت برداشت‌ها وجود دارد؟

در ادامه صحبت‌هایی که در بالا بیان کردم، انجام نشدن یک کار در زمان مقرر، باعث می‌شود که اعتمادهای درون‌تیمی کاهش یافته و از بیرون هم فشارهایی به تیم وارد شود. رهبر یک تیم، پیش از شروع هر کار باید مطمئن شود که تمام اعضا به زمان‌بندی‌های تعیین‌شده پایبند هستند. اگر افرادی از فرهنگ‌های زبان پیچیده در تیم باشند، ممکن است آنقدر برای تقویت روابط با همکاران یا مشتریان زمان بگذارند که کارها در موعد خود تمام نشوند؛ البته این مشکل در بلندمدت می‌تواند کاهش یافته و درک اعضا با فرهنگ‌های متفاوت از زمان به یکدیگر نزدیک شود.

در جهان یکپارچه کنونی، ارتباطات دیجیتال در روابط کسب‌وکارها بسیار مرسوم شده است. رهبران سازمانی با چه مشکلات بالقوه‌ای در ارتباطات دیجیتال بین‌فرهنگی مواجه خواهند بود؟ چگونه می‌توان بر این مشکلات و موانع غالب شد؟

در حالی که اینترنت را می‌توان یک برابر ساز و تسهیل‌گر ارتباطی مهم دانست، مشکلاتی هم در عملکرد آن ممکن است بروز کند. زمانی که یک فرد به همان سرعت که با همکار خود در میز کناری صحبت می‌کند، می‌تواند با فردی در گوشه‌ای دیگر از جهان ارتباط برقرار کند، استفاده درست از واژگان و ناتوانی اینترنت در انتقال لحن پیام برجسته می‌شود. اغلب فرض می‌شود که یک فرهنگ زبانی مشترک برای ارتباطات دیجیتال جهانی وجود دارد.

[متن کامل](#)

رستاخیز پایتخت در استقبال از پیکر پاک شهید قاسم سلیمانی

مراسم تشییع باشکوه و بی نظیر پیکر پاک سردار سپاه اسلام، سپهبد شهید «حاج قاسم سلیمانی» و «ابومهدی المهندس» معاون الحشد الشعبی، صبح دوشنبه ۱۶ دی ۱۳۹۸ در تهران برگزار شد.

